



# اهمیت مدرنیزه کردن و نوسازی واحدهای کوچک صنعتی و بازرگانی

مدرنیزه سازی یک فرآیند جمعی است که در آن تمام کشور باید مداخله و مشارکت داشته باشد و کلیه بخشهای کلی را درک نموده و در برگیرد. و نیز در مدرنیزه سازی باید به تمام جنبه‌ها و ابعاد مختلف صنعت مانند مدیریت، بازارها، اعتبار مالی و روابط کارگری و همین طور تولید و فرآیندها توجه و نظر شود. مدرنیزه سازی فقط زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که مدیران و صاحبان واحدها کاملاً دارای انگیزه باشند و خود را وقف برنامه مزبور نمایند و به آن متعهد باشند.

● مریم کیوانی

کوچک به طور ویژه بر موارد زیر اهتمام خاصی دارند:

- استحصال ارزش افزوده.

- تولید اشتغال.

- سرعت بخشیدن به توسعه مناطق کم

جمعیت شهری و مناطق روستایی و اهتمام

به جلوگیری از مهاجرت روستائیان به

شهرها و جلوگیری از بروز مشکلات تراکم

جمعیت در شهرهای بزرگ.

- ایجاد ارتباط بین صنایع کشاورزی و

بخش صنعت و استفاده از مواد خام محلی

و مواد زاید موجود که در کمیت‌های نسبتاً

سرمایه گذاری‌های بخش صنایع کوچک، هم از جهت شمار واحدهای صنعتی کوچک و هم از نظر اشتغال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر فعالیتهای صنعتی فزونی دارد. برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه به واقع از نقش تعیین کننده‌ای که صنایع کوچک می‌توانند در توسعه و ایجاد تنوع در تولیدات صنعتی داشته باشند آگاهند و نیز به نقش مهمی که این صنایع می‌توانند در دستیابی به اهداف اجتماعی - اقتصادی در زمینه توسعه داشته باشند. بنابراین صنایع

کوچک در محل موجود است.

- فراخوانی پس اندازهای خصوصی و

شخصی و مهار کردن و هدایت آنها برای

فعالیت‌های مولد.

- افزودن به قدرت انعطاف پذیری تولید و

ارتقاء سرعت پاسخگویی به تقاضاهای

بازار.

- تأمین قطعات و اجزاء و لوازم برای

صنایع بزرگ.

یکی از روش‌های مهم برای بهبود

وضعیت و به تصویر کشیدن چشم

اندازهای رشد در صنایع کوچک، برقرار

کردن حلقه‌های اتصال بین صنایع کوچک و صنایع بزرگ می‌باشد. به طور مثال، چنانچه واحدهای کوچک صنعتی بخش خصوصی تشویق شوند که تعاونی‌ها و اتحادیه‌هایی از این شرکتها تشکیل دهند، لازم خواهد شد تا توجه خاصی به آموزش مدیران رده‌های مختلف این گونه گروهها صورت گیرد. زیرا مدیران این تعاونی‌ها و مجموعه بایستی شناخت کاملی از صنعت داشته باشند و ارتباط خوبی با ادارات دولتی محل خود برقرار نموده و نیز شناخت وسیعی از مراکز عرضه کننده کالا و مواد اولیه دارا باشند. همچنین افرادی که از طرف دولت و دستگاههای اجرایی مسئولیت دارند تا در رابطه با صنایع کوچک کار کنند به شکل‌های جدیدی که از اتحادیه‌های واحدهای صنعتی به وجود آمده معرفی می‌شوند و هیأت‌های مشترکی از دولت و بخش غیر دولتی برای رسیدگی به مشکلات و پیدا کردن راه حل‌های مناسب به وجود می‌آید. به علاوه رویه‌هایی از سوی دولت اتخاذ می‌شود که گروه‌های صنایع کوچک را قادر می‌سازد در معاملات و مناقصه‌ها و مزایده‌ها شرکت کنند. همچنین این امکان به وجود می‌آید که برای اعضای اتحادیه‌های صنایع کوچک متعلق به کشورهای در حال توسعه، امکاناتی ایجاد می‌شود که بتوانند از سازمان و عملکرد اتحادیه‌های مشابه در کشورهای صنعتی و توسعه یافته مطلع شده و سازمان و عملکرد این گونه اتحادیه‌ها به آنان معرفی و شناسانده شود و آنها با کسب تجربیات عملی در جهت اصلاح سازمان و اتحادیه‌های خود اقدام نمایند.

به طور خلاصه حمایت از ایجاد و تقویت حلقه‌های اتصال بین صنایع کوچک و صنایع بزرگ را می‌توان به طریق ذیل تأمین کرد:

- اقدامات حمایتی به صورت خدمات فنی و کنترل کیفیت برای صنایع کوچک در جهت رسیدن به سطح استانداردهای کیفی که از جانب شرکت پیمانکار یعنی

شریک بزرگتر تعیین شده است.

- روشهایی برای توانا سازی صنایع کوچک در جهت تأمین شرایط لازم برای شرکت در معاملات مناقصه و مزایده‌های دولت و فعال کردن اتحادیه‌ها و تعاونی‌های صنایع کوچک در جهت شناسایی امکانات خرید و فروش دولتی به صورت مناقصه و مزایده برای اعضای آن اتحادیه‌ها.

- زمینه دیگری از حمایت، تشویق صنایع کوچک به صادرات است. که به علت محدودیت منابع و امکانات، صنایع کوچک معمولاً قادر نیستند چشم اندازهای صادرات را شناسایی و از آنها استفاده کنند. روشن است که صنایع کوچک به طور قطع قادر خواهند بود از این طریق درآمدهای ارزی قابل ملاحظه‌ای را به ارمغان بیاورند. صنایع کوچک به این دلیل که آنها عمدتاً مواد اولیه و دیگر مواد مصرفی را از منابع داخلی تهیه می‌کنند در کاهش هزینه‌های ارزی نیز نقش به‌سزایی دارند. نتیجتاً



**بر اساس آمارهای موجود در سنگاپور شرکت‌های کوچک و متوسط ۹۴٪ از کل شرکتها، ۷۱٪ از کل اشتغال و ۵۹٪ از کل ارزش افزوده را تشکیل می‌دهند. و در سال ۱۹۸۹ چیزی معادل ۷۷٪ از شرکت‌های تولیدی را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل داده بودند**

صنایع کوچک برای دستیابی و رسیدن به وضعیت گرایش به صادرات لازم است از عهده موارد ذیل برآیند:

- ۱- تطبیق دادن تولیدات با هر تغییراتی.
  - ۲- رسیدن به حداقل تولید با صرفه.
  - ۳- رسیدن به کیفیت و زمان تحویل متقاضی.
  - ۴- دسترسی داشتن به اطلاعات لازم در استفاده از گرایش‌های بازار جهانی.
  - ۵- در اختیار داشتن ذخیره‌های کافی از سرمایه‌های جاری برای پر کردن و قفه‌هایی که در نتیجه تأخیر و دیر کرد پرداختهای مشتریان خارجی به شرکت ممکن است به وجود آید.
- دسترسی صنایع کوچک به مؤسسات مالی با توجه به طرز تلقی مؤسسات وام دهنده در کشورهای در حال توسعه و با توجه به عدم شناخت و تواناییهای مدیریتی در تولید کنندگان صنایع کوچک، با مشکلات متعددی روبرو است.

در مقایسه با اعتبارات مالی ارزانی که در مقدار و به تعداد محدودی در اختیار این صنایع قرار می‌گیرد چنین می‌توان نتیجه گرفت که در دراز مدت، صنایع کوچک با دسترسی خوبی که به اعتبارات مالی با نرخهای بانکی معمول پیدا می‌کنند، در آینده روند توسعه بهتری خواهند داشت. تأمین اعتبارات مالی مورد نیاز صنایع کوچک، با نرخ بهره معمولی خواهد توانست هزینه ریسکهای بالاتر بانکهایی را که وامهای تعداد زیادی از بنگاههای کوچک را به عهده دارند، تأمین کند. علاوه بر این می‌توان با ارائه طرحهای حمایتی و ایجاد تسهیلات اعطایی، وامهای کم بهره در اختیار آنان قرار داده و دولت ضمانت اعتبارات مذکور را به عهده بگیرد. در این رابطه تأکید باید بر دوام پروژه باشد و نه بر وثیقه‌های لازم برای ایجاد آمادگیهای مورد نیاز در بانکها جهت ارائه اعتبارات و تسهیلات بانکی، در صورت لزوم مسئولین اعطای وام بانکها باید آموزش لازم را در ارتباط با توسعه و صنعت ببینند.

نظر به این که واحدهای کوچک صنعتی

و بازرگانی به طور گسترده به عنوان بخش مکمل و اساسی اقتصاد هر کشور شناخته شده‌اند لذا ترویج رشد و توسعه این واحدها به نفع کشور می‌باشد. دلایل دیگری که فرآیند نوسازی و مدرنیزه ساختن شرکت‌های کوچک و متوسط را ضروری می‌سازند عبارتند از:

۱- اهمیت وجودی و برخوردار بودن شرکت‌های کوچک از تواناییهای مختلفی چون انعطاف پذیری و قدرت تحرک زیاد و همین طور دارا بودن پتانسیلهای لازم برای کمک به رشد و پیشرفت فیزیکی.

۲- نیازهایی که شرکت‌های کوچک و متوسط دارند، باعث می‌شود به فرصتها و زمینه‌های تلاش و رقابتی که بر اثر تغییرات محیط فضای بازرگانی به وجود آمده است پاسخگویی نمایند.

واحدهای کوچک صنعتی و بازرگانی در همه جا دارای مراحل مختلفی از رشد و توسعه بوده و دارای منابع گوناگون و متفاوتی می‌باشد، بر اساس آمارهای موجود در سنگاپور شرکت‌های کوچک و متوسط ۹۴٪ از کل شرکتها، ۷۱٪ از کل اشتغال و ۵۹٪ از کل ارزش افزوده را تشکیل می‌دهند. و در سال ۱۹۸۹ چیزی معادل ۷۷٪ از شرکت‌های تولیدی را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل داده بودند و بر اساس ضوابط آنان یک شرکت کوچک و متوسط تولیدی به شرکتهای اطلاق می‌شود که حداقل ۲۰٪ از سرمایه آن داخلی بوده و ارزش خالص سرمایه گذاری انجام شده روی دارایی‌های آن از ۸ میلیون دلار سنگاپور بیشتر نباشد و در صورتی که شرکت‌های کوچک و متوسط در بخشهای بازرگانی و یا خدماتی فعال باشند نباید تعداد کارکنان از ۵ نفر بیشتر باشد.

مشخصاً این که شرکت‌های کوچک و متوسط علیرغم این که از لحاظ رشد و توسعه در سطوح و مراحل مختلفی قرار گرفته‌اند ولی در جهت فرآیند نوسازی و مدرنیزه شدن نیازهایی دارند که باید به آنها پاسخ داده شود. این نیازها در زمینه‌های مرغوبیت کالا و ارائه خدمات به مشتریان و

## شرکتهای کوچک و متوسط باید به فرآیند نوسازی و مدرنیزه کردن خود کمک کنند و از طریق به کار بستن یک رشته مهارتهای مدیریتی پیشرفته و پویا چشم انداز توسعه و رشد خود را تشخیص دهند. این مهارتها را باید بر روی اصول اساسی نیز متمرکز نمایند.

نیز قبایل قبول و مؤثر بودن قیمت تکنولوژی، مدیریت بهره‌وری و مدیریت منابع نیروی انسانی می‌باشد. شرکت‌های کوچک و متوسط باید الزاماً از قدرت نوآوری و خلاقیت سطح بالایی برخوردار باشند. برای این منظور شرکتها باید سرعت خود را با تکنولوژی برتر صنعت و بازرگانی روز تطبیق دهند و این مؤسسات را حفظ نمایند. آنها باید بدانند که تغییرات تکنولوژی چگونه بر آنها تأثیر می‌گذارد و از این آگاهی جهت ارتقاء اعتلای سطح کیفیت و کارایی خود استفاده نمایند. و دیگر این که افزایش و توسعه بهره‌وری عملی، خلق الساعه نبوده و کاری نیست که بتوان آن را بخش بخش انجام داد بلکه اموری است که نیاز به یک تعهد دراز مدت توسط مدیریت دارد. ضمناً بهره‌وری باید حتماً به صورتی ترکیبی باشد و جامع ترتیب داده شود و اداره گردد تا بتواند سایر زمینه‌های اجرایی مدیریت را نیز زیر پوشش قرار دهد.

### راههای تبدیل و تحول و نوسازی نمودن فعالیتهای بازرگانی

شرکت‌های کوچک و متوسط باید به فرآیند نوسازی و مدرنیزه کردن خود کمک کنند و از طریق به کار بستن یک رشته مهارتهای مدیریتی پیشرفته و پویا چشم انداز توسعه و رشد خود را تشخیص دهند. این مهارتها را باید بر روی اصول اساسی نیز متمرکز نمایند.

- ۱- قابل قبول و مؤثر بودن کیفیت.
- ۲- اقدامات ترکیبی و جامع در مورد کیفیت و مرغوبیت.
- ۳- پاسخگویی همه جانبه و جمعی به مشتری.
- ۴- مدیریت تکنولوژی اطلاعاتی.

۵- مدیریت منابع نیروی انسانی. می‌بایست برای گروههای مختلف شرکت‌های کوچک برنامه‌های آموزشی در زمینه مهارتهای مدیریتی تهیه گردد و این شرکتها تشویق و ترغیب شوند تا کارکنان خود را جهت شرکت در این برنامه‌ها اعزام دارند و به شرکت‌های منتخب نیز از طریق اجرای برنامه‌های خدمات مشاوره‌ای کمک گردد تا به مرحله دیگری از رشد و توسعه برسند به طوری که بتوانند به اولویت‌های ذیل دست یابند:

- ۱- تولید محصولات قابل اعتماد و مطمئن.
- ۲- حمل و نقل قابل اعتماد.
- ۳- مطابقت از لحاظ کیفیت و مرغوبیت.

### نقش اتاقهای بازرگانی اتحادیه‌ها و اتاق تعاون (در بخش تعاون)

اتاقهای بازرگانی، اتحادیه‌های بازرگانی یا صنفی و اتاق تعاون می‌توانند در رابطه با شرکت‌های تعاونی و در کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط از لحاظ نو و مدرنیزه شدن نقش عمده و کلیدی ایفا نمایند. آنها می‌توانند به عنوان مراکز اطلاعاتی عمل کنند، خدمات آموزشی و مشاورتی ارائه نمایند و همکاری‌های بازرگانی را ترویج و تشویق نموده و ارتباطات بین‌المللی برقرار نمایند و با مؤسسات دولتی درارتباط باشند. مزیت این کار آن است که سازمانهای یاد شده بیشتر از مؤسسات دولتی در جریان امور شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند و از نزدیک با آنها آشنایی دارند. اطلاعات و ارزش این گونه مراکز با اوضاع جاری بازار و ارسال سریع اطلاعات به شرکتها باعث افزایش نوآوری‌ها و ابداعات در سیستم تولید و محصولات خواهد شد که نهایتاً منجر به افزایش بهره‌وری می‌گردد.

یکی از ویژگیهای خوبی که در سالهای اخیر در بخش صنایع کوچک به وجود آمده است، ورود متخصصان و اشخاص حرفه‌ای جوان به این بخش می‌باشد که به آن روح تازه‌ای از تحرک و انرژی بخشیده است. مدیران کارآفرین و خطرپذیر جدید نیز این بخش را به زمینه‌های نسبتاً فنی‌تر و پیچیده‌تری نظیر تکنولوژی الکترونیک، تکنولوژی اطلاعاتی و نرم‌افزار در کامپیوتر تبدیل کرده‌اند. در این زمینه‌ها کهنگی و از دور خارج شدن تکنیک‌ها و ایده‌های قدیمی به سرعت روی می‌دهد و این مدیران متهورند که فرآیند را بدینجا سوق داده‌اند که این امر مستلزم ارتقاء تکنولوژی و جلوتر بودن از بازارهای جدید و روند تکنولوژی می‌باشد.

در خاتمه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مدرنیزه سازی یک فرآیند جمعی است که در آن تمام کشور باید مداخله و مشارکت داشته باشد و کلیه بخشهای کلی را درک نموده و در بر گیرد. و نیز در مدرنیزه سازی باید به تمام جنبه‌ها و ابعاد مختلف صنعت مانند مدیریت، بازارها، اعتبار مالی و روابط کارگری و همین طور تولید و فرآیندها توجه و نظر شود. مدرنیزه سازی فقط زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که مدیران و صاحبان واحدها کاملاً دارای انگیزه باشند و خود را وقف برنامه مزبور نمایند و به آن متعهد باشند.

نوسازی برنامه‌ای برای انجام جهش‌های فیزیکی صرف نیست بلکه برنامه‌ای برای توسعه و پیشرفت‌های در حال وقوع است که کارآیی و مفید بودن عملیات را بهبود می‌بخشد. نوسازی یک فرآیند مداوم و مستمر است که با آهنگ سریع نوآوریها و ابداعات تکنولوژی و رقابت بیشتر شتاب می‌گیرد البته در صورتی که بخش صنعت و تجارت کوچک بخواهد رقابت نماید و حیات اقتصادی خود را حفظ کند.

بقیه از صفحه ۳۷

آنها بدون توجه به احتیاجات کشور موجب بیکاری گروهی از تحصیل کرده‌ها شده است. در شماره ۱۶ مجله کار و دانش در این باره چنین نوشته شده است:

«اشتغال حدود ۲۵٪ از نیروی انسانی موجود در تخصص‌های بی ارتباط و یا کم ارتباط با رشته تحصیلی، به کار گمارده شدن حدود ۵۰٪ از نیروی‌های فاقد تخصص در بخش صنعت، صرف تنها ۱٪ از بودجه آموزش عمومی برای مراکز فنی و حرفه‌ای و هزینه نمودن بقیه آن برای رشته‌های تحصیلی نظری که فارغ التحصیلان آنها به هر صورت در محدوده آموزشهای تئوری باقی می‌مانند و راهی بر فعالیتهای عملی نمی‌یابند، هشدارهای قابل تعمقی است که می‌بایست برنامه ریزان آموزشی و اقتصادی را به تفکر جدی وادار سازد.

اخیراً با تغییر برنامه دوران متوسطه و ایجاد شاخه کار و دانش اقداماتی در این باره صورت گرفته است. می‌توان گفت از دید اطلاعات فنی و حرفه‌ای در بین همه گروهها و شاغلین رشته‌های مختلف در بهتر کردن کیفیت و کمیت تولیدات و کاهش بیکاری اثرات فراوان خواهد داشت.

خلاصه آن که به نظر اینجانب توسعه هر چه بیشتر شرکتهای تعاونی تولیدی بهترین طریق برای جلوگیری از تورم قیمت‌ها، ایجاد کار و تأمین زندگی مناسب برای همه افراد جامعه است. این امر احتیاج بدان دارد که تبلیغات لازم در این باره صورت گیرد و مردم به تشکیل این شرکتهای ترغیب و تشویق شوند. علاوه بر رسانه‌ها در این مورد روحانیون هر منطقه می‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند. سیستم تعاونی نیروهای مردمی را متشکل و آنان را در جهت سازندگی می‌کشاند. وجود حزبی که برنامه آن اصلاحات اجتماعی باشد به

تشکل نیروها و اجرای چنین برنامه‌ای کمک نماید. افراد را به قانون‌گرایی تشویق و اظهار نظرها را در جهت مفید و سازنده سوق دهد و در موارد لازم همکاری مردم و دولت را توصیه نماید در این باره بسیار مؤثر است. مسأله آنکه استراتژی و تاکتیک چنین حزبی چگونه باید باشد و از نظر تشکیلاتی و تبلیغاتی چه برنامه را مورد نظر قرار دهد موضوعی است که احتیاج به بحثی جداگانه دارد!

بقیه از صفحه ۳۴

نسبت به اعضاء (ذینفعان)، کاهش می‌یابد و به همین دلیل نیز خطر افزایش هزینه معاملاتی کمتر می‌شود. عضو، دیگر فقط دو راه ابراز عقیده پیرامون اداره تعاونی را ندارد: "خروج" و "فریاد". سامانه‌ای از سهام قابل معامله، خروج و فریاد را معنای وسیعتری می‌بخشد.

دکتر هاکیوس محقق امور تعاونی در دانشگاه علوم کشاورزی سوئد است. او در رساله دکتری خود به ارزشهای مورد قبول کشاورزان در مقایسه با ارزشهای تعاونی پرداخته است. موضوع پژوهش او چگونگی تأمین مالی تعاونیهای کشاورزی است.

EXTERNAL SITUATION  
INTERNAL SITUATION  
OVERLAP  
CLOSED MEMBERSHIP  
BINDING CONTRACTS  
PREPREFERRED SHARES  
SASKATCHEWAN WHEAT POOL  
AGENCY THEORY  
HORIAON  
PORTFOLIO  
COMMON PROPERTY  
SIZE  
DEVELOPMENT  
TRANSACTION COST  
EXIT